

بررسی جایگاه صنعت بیمه در اقتصاد و بازار سرمایه ایران

دکتر علی حسنزاده^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۰۹/۰۳

دکتر محمدمهدی عسگری^۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۰۴/۰۷

مهدی کاظم‌نژاد^۳

چکیده

شرکت‌های بیمه از نهادهای مهم در بازار سرمایه‌اند که از طریق پذیرش ریسک‌های متنوع و همچنین تجهیز و تقویت منابع مالی برای سرمایه‌گذاری در بازار پول و سرمایه، نقش مؤثری در توسعه اقتصادی کشور دارند. بررسی حاضر نشان می‌دهد که سهم صنعت بیمه کشور در تولید ناخالص داخلی طی دوره ۱۳۸۷-۱۳۷۸ به‌طور متوسط ۱/۰۹ درصد بوده و همچنین با بررسی نسبت حق بیمه دریافتی به ارزش سهام معامله‌شده و نیز نسبت حق بیمه دریافتی به ارزش جاری بازار سهام طی دوره ۱۳۸۵-۱۳۷۶ ملاحظه می‌شود که شاخص‌های مذکور به‌طور متوسط به ترتیب ۴۷/۵۴ درصد و ۶/۳۴ درصد است که نشان‌دهنده نقش ناچیز صنعت بیمه در بازار اوراق بهادار است.

واژگان کلیدی: بیمه، صنعت بیمه، بازار سرمایه، بازار مالی، ترکیب دارایی‌ها

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد فیروزکوه و معاون پژوهشی پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی (Email: Alihasanzadeh2003 @ Yahoo.com)

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع)، دانشکده معارف و اقتصاد (Email: M.askari@Isu.ac.ir)

۳. کارشناس ارشد رشته اقتصاد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد فیروزکوه (نویسنده مسئول) (Email: V-kazemnezhad @ Yahoo.com)

۱. مقدمه

امروزه بر کسی پوشیده نیست که از عوامل اصلی و مهم رشد و توسعه اقتصادی یک کشور، افزایش سرمایه‌گذاری مولد در آن جامعه است و رابطه مستقیمی بین توسعه اقتصادی و سرمایه‌گذاری وجود دارد؛ بنابراین توسعه اقتصادی از اهداف مهم کشور است و رسیدن به آن، نیاز به ابزارهایی دارد که مهم‌ترین آنها پویایی، تکامل و توسعه بازارهای مالی شامل بازار پول، سرمایه و صنعت بیمه است. شرکت‌های بیمه به موجب ماهیت فعالیت‌شان از کانال‌های مهم پس‌انداز و در نتیجه نهادهای مهم و محوری مالی‌اند که در کنار دیگر نهادهای مالی در امر تهیه و تخصیص سرمایه و کمک به تأمین مالی واحدهای اقتصادی کمک می‌کنند. رشد و توسعه صنعت بیمه و فعالیت‌های بیمه‌گری در کشور به‌طور طبیعی تابعی است از رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور، به‌گونه‌ای که هرچه بر میزان توسعه فعالیت‌های اقتصادی در کشور افزوده شود، بر گسترش فعالیت‌های بیمه‌ای نیز افزوده می‌شود. در ابتدا حضور شرکت‌های بیمه در بازار مالی اندک و اهمیت این موضوع نیز کم بود، اما به تدریج با گسترش حجم فعالیت‌های بیمه‌ای و میزان سرمایه و وجوه شرکت‌های بیمه، اهمیت حضور این شرکت‌ها در بازار سرمایه برای کل جامعه و برای خود شرکت‌های بیمه به‌عنوان یک مقوله مدیریتی افزایش بیشتری یافت. شرکت‌های بیمه علاوه بر تأمین امنیت فعالیت‌های اقتصادی از طریق ارائه خدمات بیمه‌ای، با مشارکت و به‌کارگیری منابع مالی انباشته‌شده نزد خود در فواصل زمانی دریافت حق‌بیمه و پرداخت خسارت‌ها، به‌خصوص در بیمه‌های بلندمدت می‌توانند موجب تحرک، پویایی، رشد و توسعه بازارهای مالی شوند و منابع مالی شمار زیادی از فعالیت‌های اقتصادی و طرح‌های سرمایه‌گذاری در بخش‌های تولیدی را فراهم آورند.

تجربه جهانی حاکی از آن است که صنعت بیمه به مثابه جزیی از صنعت مالی، باید رابطه متقابل صحیحی با مجموعه بازار سرمایه داشته باشد. این رابطه، در عصر

جهانی شدن، به دو شکل تبلور می‌یابد: از یک سو، کسب و کار بیمه به بازار سرمایه مستحکم نیازمند است و از دیگر سو، بازار سرمایه مبتنی بر مشارکت فعال و جوهر بیمه در این بازار است. از این رو، شتاب بخشیدن به اصلاحات و توسعه دو بخش و ارتقای رابطه متقابل این دو، شرط لازم برای توسعه مناسب سیستم مالی کشور است. بخش بیمه در ایران هنوز در مراحل اولیه توسعه است و این موقعیت را می‌توان با توجه به تعداد و مقیاس کوچک شرکت‌های بیمه ایرانی، سهم درآمدهای حق بیمه به کل تولید ناخالص داخلی و تنوع و کمیت محدود محصولات بیمه‌ای مشاهده نمود.

بیمه، نقش مهم و حساسی در رشد و توسعه اقتصادی به خصوص در کشورهای در حال توسعه دارد. توجه به جایگاه و عوامل مؤثر بر آن و همچنین تأثیر انواع سیاست‌های اتخاذ شده در این بخش اثرات قابل ملاحظه‌ای بر اقتصاد کشور خواهد داشت.

۲. پیشینه تحقیق

بازارهای مالی، نقش اساسی و کلیدی در رشد و توسعه اقتصادی دارند و صنعت بیمه که یک نهاد مالی است می‌تواند بسترساز رشد اقتصادی باشد. تحقیقاتی توسط اوترویل^۱، وارد و زربروگ^۲، وب و همکارانش^۳، بون^۴، کوگلر و افقی^۵ در خصوص ارتباط صنعت بیمه با رشد اقتصادی انجام شده است که به صورت تجربی رابطه بین صنعت بیمه و رشد اقتصادی را تأیید می‌کند. براساس تحقیقات لوین و زرووس^۶ - که با استفاده از متدولوژی مطالعات مقطعی انجام شد - رابطه مثبت قوی و معناداری بین رشد و توسعه بازارهای مالی، بازار سهام و رشد اقتصادی

1. Outreville, 1997
2. Ward & Zurbrugg, 2000
3. Web et al, 2002
4. Boon, 2004
5. Kugler & Ofoghi, 2005
6. Levine & Zervos, 1998

وجود دارد. مرتن^۱، مرتن و بودای^۲، لوین^۳ در مطالعات نظری خود بیان کردند که مؤسسات مالی از طریق تحرک پس‌انداز، تخصیص منابع، کنترل وام‌گیرندگان و اعمال کنترلی مشارکتی، تسهیل در مدیریت ریسک و تسهیل در مبادلات کالا و خدمات از دو کانال انباشت سرمایه و نوآوری فنی به رشد اقتصادی کمک می‌کنند. همچنین اسکیر^۴ بیان کرد که از دیدگاه عملکردی، شرکت‌های بیمه می‌توانند از دو کانال انباشت سرمایه (فیزیکی و انسانی) و نوآوری فنی بر رشد اقتصادی تأثیر بگذارند.

در ایران نیز تحقیقاتی در خصوص نقش صنعت بیمه در بازارهای مالی انجام گرفته است که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌کنیم. جهانخانی (۱۳۷۶) با بررسی «نقش مؤسسات بیمه در بازار سرمایه ایران» به این نتیجه رسید که منابع مالی که در اختیار شرکت‌های بیمه قرار دارد به شکل مطلوب در سرمایه‌گذاری‌ها استفاده نمی‌شود و احمدوند (۱۳۷۹) با بررسی نقش بیمه در بازار سرمایه کشور بین سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۶۰ و محاسبه شاخص‌های مبین نقش و جایگاه شرکت‌های بیمه در اقتصاد ملی و بازارهای مالی به‌ویژه بازار سرمایه به این نتیجه رسیده است که رقم شاخص‌های حق‌بیمه تولیدی، حق‌بیمه سرانه و ضریب نفوذ و ترکیب بیمه‌های زندگی و غیرزندگی در ایران نامناسب و نقش صنعت بیمه کشور در تولید ناخالص داخلی بسیار ناچیز است و همچنین عزیزی (۱۳۸۰) با بررسی جایگاه بیمه در بازار مالی بین سال‌های ۱۳۷۸-۱۳۶۸ و مقایسه جایگاه نهادهای بیمه با نهادهای بازار پول و سایر نهادهای بازار سرمایه به این نتیجه رسیده است که در ایران بازار پول بر بازار سرمایه غالب است و نقش فعالان بازار سرمایه به‌ویژه مؤسسات بیمه در این بازار کم است و در بازار مالی کشور، نقش و جایگاه

-
1. Merton, 1992
 2. Merton & Bodie, 2004
 3. Levine, 2004
 4. Skipper, 1998

مؤسسات مالی به‌خوبی تعریف نشده است. پیکارجو (۱۳۸۰) با استفاده از ترکیب دارایی‌های صنعت بیمه به بررسی حجم بازده سرمایه‌گذاری شرکت‌های بیمه دولتی و پیامدهای خصوصی‌سازی در بازار سرمایه پرداخته و به این نتیجه رسیده است که سهم صنعت بیمه در بازار سرمایه بسیار ناچیز است. مولایی (۱۳۸۴) با بررسی تأثیر حق‌بیمه تولیدی شرکت‌های بیمه بر میزان سرمایه‌گذاری آنها در بازار مالی نتیجه گرفته است بین میزان حق‌بیمه عایدشده با میزان سرمایه‌گذاری شرکت‌های بیمه در بازار مالی رابطه خطی و قوی وجود دارد.

بنابراین براساس مبانی نظری و نتایج حاصل از تحقیقات انجام‌شده باید رشد و توسعه بازارهای مالی از طریق رفع موانع و مشکلات تهدیدکننده این بازارها و فراهم کردن فضا و زمینه رقابت در آنها به‌منظور افزایش هرچه بیشتر کارایی در کانون توجه مسئولان و سیاست‌گذاران اقتصادی قرار گیرد.

۳. بازارهای مالی

کلیه فعالیت‌های اقتصادی در دو بخش واقعی و مالی انجام می‌شود. متغیرهای اساسی حساب‌های ملی نظیر مصرف و تشکیل سرمایه بیانگر فعالیت‌هایی است که در بخش واقعی اقتصاد در جریان است، اما بخش مالی به‌عنوان مکمل بخش واقعی به مجموعه‌ای از ابزارهای مالی نظیر اوراق سهام، قرضه، سپرده‌های دیداری و ... نهاد‌های مالی همچون بانک‌ها، شرکت‌های سرمایه‌گذاری می‌شود که نقش مهم و محوری تجهیز منابع پس‌اندازی، هدایت این منابع به‌سمت فعالیت‌های مولد سرمایه‌گذاری و تخصیص بهینه منابع مالی و سرمایه‌ای را دارد (ختایی، ۱۳۷۸). بدیهی است که حرکت در مسیر رشد سریع و توسعه پایدار نیازمند تشکیل و نیز افزایش سرمایه است تا با تجهیز آن منابع در اقتصاد ملی تقویت و رشد پایدار محقق شود. چهارچوب اصلی بخش مالی را بازارهای مالی تشکیل می‌دهند. بازارهای مالی، مکان‌هایی است که خرید و فروش وجوه اعم از اعتبار بانکی، وجه اوراق بهادار و

سهام و به تقابل عرضه و تقاضا در آن حیطه انجام می‌شود و یا می‌توان گفت که بازار مالی، بازاری است که دارایی‌های مالی در آن مبادله (خرید و فروش) می‌شوند. بازارهای مالی حجم وسیعی از سرمایه‌های مالی یک اقتصاد را در خود جای داده و در آنجا تحت کنترل در می‌آورند. این بازارها، انگیزه‌های پس‌اندازکردن، واگذاری پس‌اندازها، وام‌دهی و به‌کارگرفتن سرمایه‌ها را شکل می‌دهند. بازارهای مالی نقش‌هایی به این شرح در جامعه دارند:

- انتقال وجوه از دارندگان وجوه اضافی برای سرمایه‌گذاری به کسانی که وجوهی برای سرمایه‌گذاری در دارایی‌های مشهود نیاز دارند؛
- توزیع خطر ملازم با جریان نقدی حاصل از دارایی‌های مشهود بین متقاضیان وجوه و دارندگان وجوه است؛

- روابط متقابل خریدار و فروشنده در بازار مالی، قیمت دارایی مبادله‌شده را تعیین می‌کند. به‌عبارت‌دیگر، این روابط بازده مورد انتظار دارایی مالی و چگونگی تقسیم وجوه دارایی‌های مالی را تعیین می‌کند؛

- بازارهای مالی مکانیسمی برای سرمایه‌گذار فراهم می‌کند تا دارایی مالی را بفروشد؛
باتوجه به این ویژگی می‌گویند بازار مالی نقدینگی فراهم می‌کند و این ویژگی جذابی است آنگاه که شرایط سرمایه‌گذار او را وادار یا تشویق به فروش می‌کند؛

- بازار مالی هزینه معاملات (هزینه جستجو و اطلاعات) را کاهش می‌دهد؛
- بازارهای مالی را می‌توان براساس سررسید حق مالی به دو بخش بازار پول و سرمایه تقسیم کرد؛

حساسیت بازارهای پول و سرمایه و نوسان‌ها و ضربه‌پذیری این دو بازار تحت تأثیر تحولات اقتصادی و غیراقتصادی، نیازمند سازوکارهای مناسب برای توسعه ریسک‌پذیری است.

با وجود اینکه دو بازار پول و سرمایه در تجهیز و تخصیص منابع مالی مکمل هم‌دیگرند اما به موجب ماهیت فعالیت‌های تولیدی که عمدتاً زمان‌بر و فرآیندی طولانی دارند، نقش بازار سرمایه در تجهیز و انتقال منابع مالی و رفع نیازهای فعالیت‌های تولیدی به مراتب مهم‌تر و حیاتی‌تر از بازار پول است. به‌همین دلیل در اغلب کشورهای توسعه‌یافته که بازارهای مالی سازمان‌یافته دارند، حجم فعالیت و نقش بازار سرمایه به مراتب گسترده‌تر و حتی چندین برابر حجم فعالیت و نقش بازار پول است. این موضوع در کشورهای در حال توسعه که از بازارهای مالی توسعه‌یافته و کارآمد محروم‌اند و معمولاً دولت نقش غالب را در فعالیت‌های اقتصادی و مالی دارد، برعکس است؛ به‌طوری‌که در این کشورها بازار پول و نظام بانکی نقش به مراتب تعیین‌کننده‌تری از بازار سرمایه دارد. این مسئله از موانع اصلی تجهیز و تخصیص بهینه منابع مالی در این کشورها بوده و به‌عنوان یک ضعف و مشکل در نظام اقتصادی این کشورها مطرح است.

بازار سرمایه، نهادی است که نیازهای مالی بنگاه‌های اقتصادی را در بستر زمانی متفاوت تأمین می‌کند؛ بنابراین تجهیز منابع مالی موجود و هدایت آنها به‌منظور سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های مختلف اقتصادی از وظایف اصلی نهادهای فعال در این بازار است. بدیهی است که توسعه بازار سرمایه کشور زمینه‌های لازم برای مواردی مانند عرضه منابع مالی جهت رشد و توسعه درون‌زا و پایدار اقتصادی، جلوگیری از فرار سرمایه و همچنین جذب سرمایه‌های خارجی به کشور، افزایش انگیزه پس‌انداز و سرمایه‌گذاری در اقتصاد ملی، انتقال منابع پس‌انداز از بخش غیررسمی اقتصاد و هدایت آنها به مسیر فعالیت‌های مولد اقتصادی، گسترش بنیان‌های مالکیت مردمی و جلب مشارکت فعالانه شهروندان در تأمین مالی طرح‌های عمرانی کشور به‌منظور کاهش فشار مالی ناشی از کسر بودجه دولت و درنهایت امکان موفقیت در اجرای سیاست‌های خصوصی‌سازی را در کشور فراهم می‌آورد.

بازار سرمایه به دو زیر بازار، بازار اولیه و ثانویه تقسیم می‌شود که بازار اولیه جایی است که بنگاه اقتصادی می‌تواند در آنجا دارایی‌های مالی خود را با منابع بلندمدت مبادله کند. در این بازار، منتشرکننده اوراق بهادار اقدام به فروش این اوراق می‌کند تا وجوه مورد نیاز خود را تأمین نماید و بازار ثانویه، بازاری است که اوراق بهاداری که قبلاً منتشر شده مورد خرید و فروش قرار می‌گیرد. وجود این بازار، مشارکت‌کنندگان را مطمئن می‌سازد که می‌توانند اوراق بهادار خود را به راحتی به فروش برسانند و مشکلی از نظر تبدیل به نقد کردن دارایی‌های مالی‌شان نداشته باشند. بازار ثانویه، قیمت سهام جدیدی که قرار است در بازار اولیه عرضه گردد را تعیین می‌کند.

بیمه در کلیه شاخه‌ها و رشته‌های فعالیت اقتصادی به گسترش اطمینان کمک می‌کند. یکی از این زمینه‌ها بازار مالی است که بیمه در آن نقش فعالی بازی می‌کند. به عبارت دقیق‌تر بازار مالی متشکل از بیمه، بورس و بانک را می‌توان مثلث توسعه مالی نامید که این مثلث بدون بیمه، کم‌رنگ و ناکارا باقی می‌ماند. در مثلث توسعه مالی، بانک پایگاه پول، بورس پایگاه سرمایه و بیمه پایگاه اطمینان است که با ارتباط دو سویه به توسعه مالی کمک می‌کند (کدخدایی، ۱۳۸۰).

نمودار ۱. مثلث توسعه مالی



۴. نقش صنعت بیمه به عنوان یک نهاد مالی در بازار سرمایه

امروزه صنعت بیمه از عمده ترین نهادهای اقتصادی محسوب می شود. بیمه از یک سو، نهادی مالی است که در تقویت بنیه اقتصادی جامعه نقش اساسی دارد و از دیگر سو، با ایجاد امنیت و اطمینان، زمینه گسترش فعالیت های تولیدی و خدماتی را فراهم می سازد.

پیشرفت بیمه با توسعه اقتصادی کشور مقارن است. ترمیم وضع اقتصادی یک کشور و افزایش مبادلات و ترقی سطح زندگی و توسعه سرمایه گذاری موجب پیشرفت بیمه در آن کشور می شود و متقابلاً پیشرفت و اشاعه بیمه نیز به بهبود وضع معیشت افراد کشور و حفظ ثروت ملی و تشکیل پس اندازهای بزرگ کمک می کند. تشخیص اینکه کدام یک، عامل توسعه و اصلاح وضع دیگری است، کار ساده ای نیست؛ اما می توان گفت که اگر اقتصاد یک کشور متکی به بیمه و تأمین ناشی از آن نباشد، اقتصاد در معرض تهدید خطرهای بی شماری قرار می گیرد.

شرکت های بیمه با دریافت مبالغی تحت عنوان حق بیمه، پرداخت خسارت های احتمالی را در آینده تعهد می نمایند. از آنجاکه خسارت ها، با احتمال مواجهه است و مربوط به زمان آینده است وقفه زمانی قابل ملاحظه ای بین دریافت حق بیمه و پرداخت خسارت در صورت وقوع وجود دارد. این وقفه زمانی است که در حقیقت امکان مشارکت فعال شرکت های بیمه در بازار سرمایه و سرمایه گذاری وجوه انباشته شده تحت عنوان بیمه و ذخایر فنی را فراهم می آورد. لذا جوهری که از این بیمه ها به دست می آید قابلیت سرمایه گذاری بیشتر و بلندمدت تری را ایجاد می کند. به همین خاطر سهم بسیار بالایی و حتی بیش از ۵۰ درصد فعالیت شرکت های بیمه در کشورهای توسعه یافته که بازار بیمه رقابتی و کارآمد دارند مربوط به رشته های زندگی است و این امر موجب مشارکت فعال و وسیع شرکت های بیمه در بازار سرمایه و تأمین وجوه برای سرمایه گذاری شده است. تصمیم گیری شرکت های بیمه در زمینه

سرمایه‌گذاری، تابع عوامل پیچیده‌ای است و مدیران سرمایه‌گذاری باید هم‌زمان بر سه عامل سوددهی، قابلیت تبدیل به وجه نقد و اطمینان از برگشت اصل سرمایه توجه داشته باشند و ازسوی دیگر، منابع مالی این شرکت‌ها از نظر قابلیت استفاده از سرمایه‌گذاری، ضوابط و محدودیت‌های ویژه‌ای دارد.

سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار، به‌ویژه سهام می‌تواند به سودهای مناسب بلندمدت منجر شود؛ بنابراین گزینه اول شرکت‌های بیمه در جهان برای اداره حق‌بیمه‌های دریافتی، سرمایه‌گذاری در بازار سرمایه است. به‌منظور ارتقای ظرفیت پرداخت کلان در صنعت بیمه ایران، ناچاریم حوزه‌های سرمایه‌گذاری مناسب صنعت بیمه را بیایم و اجازه دهیم شرکت‌های بیمه داخلی به‌طور گسترده وارد بازار سرمایه شوند. باید به‌طور گسترده اجازه داد حق‌بیمه‌ها برای سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار در صندوق‌های سرمایه‌گذاری و سرمایه‌گذاری کلان در بازار سرمایه صرف شوند. حق‌بیمه، پس‌انداز بیمه‌گذاران برای رفع نیازهای فوق‌العاده یا اضطراری است. به‌ویژه حق‌بیمه‌های عمر، وجوه پس‌انداز عمر بیمه‌گذاران است. مدیریت این وجوه باید به‌درستی انجام شود. حق‌بیمه‌ها نیازمند بازار سرمایه پایدار است که در آن امکان معامله آزاد و منصفانه وجود داشته باشد. برای حصول اطمینان از امنیت حق‌بیمه‌ها، بازار سرمایه ایران نیازمند توسعه بیشتر و مقررات جامع‌تر است. نظارت اجتماعی بر بازار سرمایه به آن معناست که نهاد ناظر باید آگاهانه اندیشه تحول بازار سرمایه را در سر داشته باشد و از دخالت غیرضروری در کار بازار سرمایه پرهیز نماید؛ نظارت باید بیشتر متوجه رقابت آزاد، عادلانه و منصفانه‌بودن بازار باشد تا این بازار بهتر عمل کند و کارایی تخصیص سرمایه را بهبود بخشد.

از آنجاکه تنوع و گستردگی فعالیت‌های بیمه‌ای می‌تواند تمامی بخش‌های اقتصادی و کل جمعیت کشور را دربرگیرد و منجر به انباشت وجوه فراوانی شود، می‌تواند در مجموعه فعالیت‌های اقتصادی علاوه‌بر تأمین امنیت به یکی از کانال‌های

مهم تجهیز منابع سرمایه‌گذاری و هدایت آن به سوی فعالیت‌های مولد اقتصادی مبدل شود. نکته‌ای که در زمینه نقش صنعت بیمه در تجهیز منابع پس‌اندازی به‌عنوان یک نهاد مالی باید مورد توجه خاص و ویژه قرار گیرد، این است که در کشورهای در حال توسعه با سطح درآمد سرانه پایین و به‌ویژه در شرایط سخت اقتصادی و تورمی شدید، قدرت پس‌اندازی و تجهیز ابزارها و نهادهای مالی به‌شدت کاهش می‌یابد و فعالیت‌های بیمه‌ای به تنها کانال پس‌اندازی مردم مبدل می‌شود. لیکن نقش این نهاد مالی باید بیش از کشورهای توسعه‌یافته مورد توجه و عنایت قرار گیرد.

خلاصه اینکه در اغلب کشورهای جهان، شرکت‌های بیمه به‌منظور ایجاد پوشش کافی برای هزینه‌های خود، کسب درآمد و سودآوری بیشتر، رشد و توسعه فعالیت‌های بیمه‌ای و ارتقای کمی و کیفی خدمات خود و ... در سطح وسیع و قابل ملاحظه‌ای در اقتصاد ملی و بازار سرمایه مشارکت می‌کنند. این کشورها ضمن تحقق اهداف داخلی خود به اجرای طرح‌های مولد اقتصادی و تحرک بازارهای مالی نیز کمک می‌کنند که در نهایت منجر به رشد و توسعه اقتصادی می‌شود.

نقش شرکت‌های بیمه در تخصیص منابع پس‌انداز و تحرک و پویایی بازارهای مالی به‌ویژه بازار سرمایه در برخی از کشورها حتی از نظام بانکی و بورس اوراق بهادار مؤثر و مهم‌تر است. شرکت‌های بیمه در کشورهای توسعه‌یافته حدود ۸۰ درصد منابع مالی خود را به اشکال مختلف در بازار سرمایه مشارکت می‌دهند و از این طریق ضمن کسب درآمد فرعی برای توسعه کمی و کیفی خدمات خود هم به اجرای طرح‌های سرمایه‌گذاری و مولد اولویت‌دار جامعه کمک می‌نمایند و هم قادر به ارائه خدمات با قیمت نازل به بیمه‌گذاران خود می‌شوند.

۵. بررسی وضعیت صنعت بیمه در ایران

آغاز فعالیت‌های بیمه در ایران را می‌توان از سال ۱۳۱۰ هجری شمسی دانست؛ زیرا در این سال، قانون و نظام‌نامه‌ای راجع به ثبت شرکت‌ها در ایران به تصویب رسید و

متعاقب آن بسیاری از شرکت‌های بیمه خارجی به تأسیس شعبه یا نمایندگی در ایران اقدام کردند و در سال ۱۳۱۴ اولین شرکت بیمه داخلی با عنوان شرکت سهامی بیمه ایران توسط دولت تأسیس و فعالیت خود را آغاز نمود. پس از آن صنعت بیمه در طول سال‌های فعالیت خود دچار فراز و نشیب‌های بسیاری شده است که برخی از آنها عبارت‌اند از: تأسیس و فعالیت ۸ شرکت بیمه ایرانی در محدوده زمانی ۱۳۲۹ تا ۱۳۴۳، تأسیس صندوق تأمین خسارت‌های بدنی در سال ۱۳۴۷، تأسیس بیمه مرکزی در سال ۱۳۵۰، اعلام ملی‌شدن بیمه در سال ۱۳۵۸، ادغام ۱۰ شرکت بیمه مصادره و ملی‌شده و آغاز به کار تحت نام شرکت بیمه دانا در سال ۱۳۶۷ در کنار شرکت‌های بیمه دولتی ایران، آسیا و البرز، تصویب قانون تأسیس مؤسسات بیمه غیردولتی در سال ۱۳۸۰ و درنهایت تصمیم به واگذاری شرکت‌های بیمه دولتی (به استثنای بیمه ایران) در اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی.

تقلیل تعداد شرکت‌های بیمه، دولتی‌بودن مالکیت آنها و عدم‌اجازه فعالیت به بخش خصوصی در بازار بیمه کشور عملاً موجب انحصاری‌شدن بازار بیمه و درنتیجه ناکارایی فعالیت این صنعت به‌عنوان یکی از نهادهای مالی کشور گردید. این موضوع ضمن اینکه مانع رشد، توسعه و ارتقای کمی و کیفی خدمات بیمه و بازار بیمه در کشور گردید، موجب عدم‌سازماندهی و بی‌تحرکی شرکت‌های بیمه به‌عنوان یک نهاد مالی و درنتیجه بازار سرمایه نیز شد؛ ولی همان‌گونه که در جدول ۱ مشاهده می‌شود در سال‌های اخیر باتوجه به اجرای سیاست‌های آزادسازی، مقررات‌زدایی و خصوصی‌سازی، صنعت بیمه در کشور روند صعودی خود را آغاز کرده است.

جدول ۱. بررسی وضعیت صنعت بیمه طی سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۸۲

عنوان	واحد اندازه گیری	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷
جمعیت	میلیون نفر	۶۷/۲	۶۸/۳	۶۹/۴	۷۰/۵	۷۱/۶	۷۲/۸
حق بیمه تولیدی	میلیارد ریال	۱۲۷۴۳	۱۷۳۱۸	۲۱۵۳۰	۲۶۵۶۱	۳۳۸۲۴	۴۰۵۶۱
رتبه جهانی	رتبه	۴۶	۴۶	۴۶	۴۶	۴۶	۴۶
نرخ رشد حق بیمه تولیدی برحسب ریال	درصد	۳۸/۸	۳۵/۹	۲۴/۳	۲۳/۴	۲۷/۳	۱۹/۹
سهم حق بیمه‌های زندگی	درصد	۸/۱	۶/۱	۶/۶	۶/۱	۵/۶	۵/۲
حق بیمه سرانه	هزار ریال	۱۸۹/۷	۲۵۳/۷	۳۱۰/۳	۳۷۶/۸	۴۷۲/۲	۵۵۷/۲
ضریب نفوذ	درصد	۱/۱۶	۱/۲۵	۱/۲۸	۱/۳۰	۱/۲۹	۱/۳۵
سهم تعداد بیمه‌نامه‌ها از جمعیت	درصد	۲۱/۹	۲۳/۶	۲۵/۷	۳۰/۸	۳۵/۸	۴۲/۳

(سالنامه آماری صنعت بیمه، ۱۳۸۷)

جمعیت کل کشور در پایان برنامه سوم توسعه در سال ۱۳۸۳ حدود ۶۸/۳ میلیون نفر بوده است؛ بنابراین نسبت تعداد بیمه‌نامه صادر شده به جمعیت در پایان برنامه سوم توسعه برابر ۲۳/۶ درصد بوده است. با توجه به ۲ برابر شدن تعداد بیمه‌نامه صادر شده در سال ۱۳۸۷ نسبت به پایان برنامه سوم (از ۱۵/۹ میلیون فقره به ۳۰/۸ میلیون فقره رسیده است) و افزایش جمعیت، نسبت تعداد بیمه‌نامه صادر شده به جمعیت در سال ۱۳۸۷ برابر ۴۲/۳ درصد است که نشان از رشد ۷۹ درصدی آن دارد. همان‌گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود در راستای اجازه فعالیت به بخش‌های خصوصی در صنعت بیمه با توجه به اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی و چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور در سال‌های اخیر، سهم فعالیت شرکت‌های خصوصی صنعت بیمه در حال افزایش است؛ به طوری که سهم حق بیمه تولیدی بخش خصوصی از ۳ درصد در سال ۱۳۸۲ به ۲۵ درصد در سال ۱۳۸۷ رسیده است.

جدول ۲. بررسی سهم بخش غیردولتی صنعت بیمه طی سال‌های ۱۳۸۲-۱۳۸۷

۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۳	۱۳۸۲	واحد اندازه گیری	عنوان	
۴۰۵۶۱	۳۳۸۲۹	۲۶۵۶۱	۲۱۵۳۰	۱۷۳۱۸	۱۲۷۴۳	میلیارد ریال	کل بازار بیمه	حق بیمه تولیدی
۲۵	۲۲/۲	۱۶/۳	۱۳/۸	۱۱/۲	۳	درصد	سهم بخش غیردولتی	
۲۴۷۵۳	۲۰۸۲۵	۱۶۴۶۷	۱۴۵۳۵	۱۰۰۳۲	۷۶۱۷	میلیارد ریال	کل بازار بیمه	خسارت
۱۸/۷	۱۵/۶	۱۰/۷	۸/۶	۱/۳	۰/۱	درصد	سهم بخش غیردولتی	
۳۰/۸	۲۵/۶	۲۱/۷	۱۷/۶	۱۵/۹	۱۴/۶	میلیون فقره	کل بازار بیمه	تعداد بیمه‌نامه
۲۸/۱	۲۸/۸	۲۲/۷	۱۱/۳	۹/۷	۰/۷	درصد	سهم بخش غیردولتی	
۳/۸	۳/۳	۳/۵	۳/۹	۲/۳	۲/۶	میلیون فقره	کل بازار بیمه	تعداد خسارت
۲۲	۱۶/۹	۱۱/۱	۵/۹	۲/۵	۰/۱	درصد	سهم بخش غیردولتی	

(سالنامه آماری صنعت بیمه، ۱۳۸۷)

۶. بررسی جایگاه صنعت بیمه ایران در مقایسه با سایر کشورها

برای ارائه تصویری واقعی‌تر از وضعیت صنعت بیمه و عملکرد آن و همچنین مقایسه تطبیقی صنعت بیمه کشور با صنعت بیمه سایر کشورها از شاخص‌هایی از جمله میزان حق بیمه تولیدی، حق بیمه سرانه و ضریب نفوذ بیمه استفاده خواهد شد. همان‌گونه که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، حق بیمه‌های تولیدی بازار بیمه کشور رشد داشته است؛ ولی رتبه کشورمان در بازار بیمه جهانی ثابت مانده است (رتبه ۴۶). این در حالی است که رتبه جهانی ایران از لحاظ تولید ناخالص داخلی با ارتقا در سال ۲۰۰۷ در مکان سی‌ام قرار گرفته است. با توجه به وابستگی اقتصاد کشور به نفت و افزایش سالانه قیمت آن در جهان، مانع از توسعه و بهبود قابل توجه شاخص‌های عملکرد صنعت بیمه به‌عنوان یکی از صنایع غیرنفتی کشور شده است. در سال‌های اخیر با کاهش سهم حق بیمه‌های زندگی در بازار بیمه مواجه هستیم که یکی از دلایل

آن بالا رفتن نرخ تورم در کشور است؛ ولی در مقابل با افزایش درآمد سرانه، قدرت خرید مردم بیشتر شده و حق بیمه سرانه در کشور افزایش یافته است.

جدول ۳. ارزیابی جایگاه جهانی صنعت بیمه کشور

عنوان	واحد اندازه گیری	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸
سهم ایران از حق بیمه های تولیدی	جهان	۰/۰۵	۰/۰۶	۰/۰۷	۰/۰۸	۰/۰۹	۰/۱
	آسیا	۰/۲۳	۰/۲۷	۰/۳۱	۰/۳۷	۰/۴۵	۰/۴۶
	منطقه MENA	۱۰/۲	۱۱/۹	۱۲/۶	۱۳/۴	۱۳/۷	۱۳/۱
نرخ رشد حق بیمه های تولیدی	جهان	۱۲/۴	۱۰/۳	۵/۶	۶/۶	۱۲/۳	۳/۴
	آسیا	۸/۹	۷/۹	۳/۶	۱/۶	۴/۴	۱۴/۹
	منطقه MENA	۱۴/۲	۱۰/۴	۱۳/۱	۱۴/۲	۲۳/۱	۲۳/۳
سهم حق بیمه های زندگی	ایران	۳۴/۵	۲۹	۲۰/۱	۲۱/۵	۲۵/۸	۱۸
	جهان	۵۶/۹	۵۷/۲	۵۸/۱	۵۷/۸	۵۹/۲	۵۸/۳
	آسیا	۷۵/۶	۷۵/۶	۷۵/۶	۷۴/۵	۷۳	۷۴
حق بیمه سرانه	جهان	۴۷۰	۵۱۱	۵۱۸	۵۵۵	۶۰۸	۶۳۴
	آسیا	۱۸۳	۱۹۴	۱۹۸	۲۰۵	۲۱۱	۲۳۴
	منطقه MENA	۶۰	۶۵	۷۰	۷۹	۹۴	۱۱۷
ضریب نفوذ	ایران	۲۳	۲۹	۳۴	۴۱	۵۱	۵۹
	جهان	۸/۰۶	۷/۹۹	۷/۵۲	۷/۵۲	۷/۴۹	۷/۰۷
	آسیا	۷/۵۱	۷/۳۷	۶/۸۳	۶/۶۵	۶/۲	۵/۹۵
منطقه MENA	ایران	۱/۱۶	۱/۲۵	۱/۲۸	۱/۳۰	۱/۲۹	۱/۳۵
	منطقه MENA	۱/۸۵	۱/۷۲	۱/۶۰	۱/۵۳	۱/۵۹	۱/۶۰

(سالنامه آماری صنعت بیمه، ۱۳۸۷)

۱. طبق دسته بندی بانک جهانی، MENA متشکل از کشورهای خاورمیانه و پنج کشور آفریقای شمالی: الجزایر، تونس، جیبوتی، لیبی و مراکش است.

میزان کل حق بیمه تولیدی توسط صنعت بیمه در هر کشور از جمله شاخص‌ها و معیارهایی است که به نوعی بیانگر میزان رشد و توسعه این صنعت است. حجم حق بیمه دریافتی جهان در سال ۲۰۰۷ برابر با ۴۰۶۱ میلیارد دلار است. بیشترین میزان سهم حق بیمه تولیدی در سال ۲۰۰۷ مربوط به قاره اروپا با سهم ۴۱ درصدی است و مناطق آمریکا، آسیا، اقیانوسیه و آفریقا با ۳۵، ۲۰/۷، ۲ و ۱/۳ درصد در مکان‌های بعدی قرار دارند.

حق بیمه تولیدی صنعت بیمه در ایران از ۵۰۸ میلیون دلار در سال ۲۰۰۰ با رشد حدود ۶ برابری به ۳،۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۷ رسیده است که ۰/۰۹ درصد از سهم کل حق بیمه تولیدی جهان و ۰/۴۵ درصد سهم بازار آسیا و ۱۳/۷ درصد از سهم بازار کشورهای منطقه MENA و ۱۶/۲ درصد از سهم بازار خاورمیانه^۱ را در اختیار دارد. کشور ایران در بین ۸۸ کشور در سال ۲۰۰۷ رتبه ۴۶ را دارد که از کشورهای چون اکراین، رومانی و بلغارستان در منطقه اروپا و از کشورهای همسایه امارات، عربستان، پاکستان، کویت، قزاقستان، قطر و عمان جلوتر است. اگر چه صنعت بیمه ایران از لحاظ دریافت حق بیمه با کشورهای پیشرفته فاصله دارد، اما در بین کشورهای خاورمیانه مقام اول را به خود اختصاص داده است. کشور امارات با ظرفیتی محدودتر از ایران به دلیل توسعه انسانی بالا (حدود ۸۴ درصد)، تورم پایین‌تر (حداکثر ۱۰ درصد) و توان برابری بهتر با نرخ ارز (۳/۷ برابر پول رایج) به لحاظ تولید حق بیمه در رتبه دوم پس از ایران قرار دارد و رتبه ۴۷ جهان را در اختیار دارد.

۱. خاورمیانه شامل کشورهای ایران، عراق، عربستان، یمن، امارات، بحرین، عمان، قطر، کویت، اردن، سوریه، لبنان، فلسطین و مصر است. با توجه به اشغال کشور فلسطین توسط رژیم صهیونیستی، رتبه‌بندی خاورمیانه بدون در نظر گرفتن این رژیم است.

از دیگر معیارهایی که می‌تواند ضمن بیان وضعیت جاری صنعت بیمه در هر کشور میزان رشد و توسعه فرهنگ بیمه را نیز نشان دهد، سهم حق بیمه‌های تولیدی رشته‌های زندگی و غیرزندگی از کل حق بیمه‌های تولیدی است.

منابع حاصل از بیمه‌های زندگی به موجب بلندمدت بودن آن، از قابلیت بیشتری برای سرمایه‌گذاری برخوردار است. لیکن هرچه سهم حق بیمه‌های زندگی از کل حق بیمه‌های تولیدی در یک کشور بیشتر باشد، صنعت بیمه آن کشور امکان و توانایی بیشتری در سرمایه‌گذاری‌های مولد بلندمدت و مشارکت در بازار سرمایه دارد. بنابراین با بالا بودن سهم حق بیمه‌های تولیدی در رشته‌های زندگی علاوه بر اینکه نقش صنعت بیمه آن کشور در پس‌انداز و بازار سرمایه بیشتر خواهد بود می‌توان گفت آن کشور از رشد فرهنگ بیمه‌ای بالایی نیز برخوردار است.

حجم حق بیمه تولیدی در جهان برای بیمه‌های زندگی و غیرزندگی در سال ۲۰۰۷ به ترتیب ۲۳۹۳ میلیارد دلار و ۱۶۶۸ میلیارد دلار بوده است که سهم هریک از این بیمه‌ها از کل حق بیمه تولیدی به ترتیب ۵۹ درصد و ۴۱ درصد بوده است.

در بخش زندگی، قاره اروپا با ۱۰۳۶ میلیارد دلار و کسب ۴۳/۳ درصد از سهم بازار جهانی بیشترین سهم را دارد و پس از آن قاره‌های آمریکا، آسیا، آفریقا و اقیانوسیه با ۲۷/۵۷ درصد، ۲۶/۰۵ درصد، ۱/۵۹ درصد و ۱/۵۰ درصد سهم از بازار جهانی را در اختیار دارند. در منطقه آسیا سهم کشور ژاپن از بازار جهانی ۲۰/۶۳ و کشورهای جنوبی و شرقی آسیا ۵/۱۹ و کشورهای آسیای مرکزی و خاورمیانه تنها ۰/۲۴ است. در ایران میزان حق بیمه دریافتی در بخش زندگی ۲۱۵ میلیون دلار است در بین ۸۸ کشور رتبه ۶۵ و در بین کشورهای خاورمیانه رتبه پنجم را دارد و تنها ۰/۰۱ درصد از سهم بازار جهانی و ۰/۰۳ درصد از سهم بازار آسیا را دارد. با بررسی ترکیب حق بیمه‌های تولیدی سال ۲۰۰۷ در مناطق مختلف جهان مشاهده می‌شود که سهم بخش زندگی برای مناطق آمریکا، اروپا، آسیا، اقیانوسیه و آفریقا به ترتیب ۴۷،

۶۲، ۷۴، ۵۲ و ۷۲ درصد است. در کشورهای توسعه یافته، حق بیمه دریافتی در بخش زندگی حجم بیشتری را تشکیل می دهند؛ به طوری که در کشور ژاپن و انگلستان در سال ۲۰۰۷ به ترتیب ۷۸ درصد و ۷۵ درصد از کل حق بیمه های تولیدی مربوط به بخش زندگی بوده است. با بررسی کشورهای در حال توسعه ای مانند مالزی، اندونزی، ترکیه، مصر، امارات و عربستان نیز مشاهده می شود سهم حق بیمه های دریافتی در بخش زندگی در سال ۲۰۰۷ برای این کشورها به ترتیب ۶۷ درصد، ۶۸ درصد، ۱۳ درصد، ۴۷ درصد، ۱۷ درصد و ۳۱ درصد است. با بررسی حق بیمه های دریافتی در بخش زندگی در ایران مشخص می شود که حجم بسیار کمی از بیمه های تولیدی مربوط به بخش زندگی است؛ به طوری که در سال ۲۰۰۷ تنها حدود ۶ درصد مربوط به این بخش بوده و ۹۴ درصد مابقی مربوط به بخش غیر زندگی بوده است. در حالی که این رقم به طور متوسط در منطقه خاورمیانه معادل ۲۷/۷ درصد و در کشورهای MENA حدود ۲۷/۱ درصد است.

جدول ۴. مقایسه صنعت بیمه کشور با برخی از کشورها

عنوان	حق بیمه تولیدی کل (میلیون دلار)		حق بیمه تولیدی زندگی (میلیون دلار)		رتبه در جهان	سهم از جهان	سال ۲۰۰۷	سال ۲۰۰۰
	سال ۲۰۰۷	سال ۲۰۰۰	سال ۲۰۰۷	سال ۲۰۰۰				
جهان	۲۴۴۴۹۰۴	۴۰۶۰۸۷۰	—	—	—	—	۲۳۹۳۰۸۹	۱۵۱۸۴۰۱
ایران	۵۰۷	۳۵۹۶	۴۶	۰/۰۹	۶۵	۰/۰۱	۲۱۵	۷۵
مالزی	۴۲۴۹	۸۸۲۴	۳۳	۰/۲۲	۳۱	۰/۲۵	۵۸۸۵	۲۶۷۱
اندونزی	۱۷۳۶	۶۹۳۸	۳۶	۰/۱۷	۳۳	۰/۲	۴۷۲۸	۸۱۶
ترکیه	۲۸۴۱	۸۲۹۷	۳۴	۰/۲	۴۳	۰/۰۵	۱۰۸۵	۵۲۲
مصر	۵۸۱	۱۰۹۰	۵۹	۰/۰۳	۵۳	۰/۰۲	۵۱۶	۱۷۵
عربستان	۸۲۷	۲۲۶۹	۵۲	۰/۰۶	۸۱	۰/۰۰	۶۶	۱۳
امارات	۷۶۱	۳۵۵۵	۴۷	۰/۰۹	۵۰	۰/۰۳	۶۱۷	۱۴۲
کویت	۲۱۷	۷۳۴	۶۹	۰/۰۲	۷۲	۰/۰۱	۱۳۲	۴۳

(Codoni, 2001; Staib, 2008)

حق بیمه سرانه از تقسیم حق بیمه کل به جمعیت کشور به دست می آید و بیانگر حق بیمه‌ای است که به طور متوسط در طول سال برای هر یک از افراد جامعه هزینه می‌گردد؛ این شاخص در حقیقت توزیع حق بیمه کل را بین جمعیت کشور در طول یک سال نشان می‌دهد.

همان‌گونه که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، حق بیمه سرانه جهان در سال ۲۰۰۷ برابر ۶۰۸ دلار و حق بیمه سرانه در همین سال برای کشور ایران حدود ۵۱ دلار است و بالاتر از کشورهای هند، اندونزی، سریلانکا، فیلیپین، پاکستان، مصر و الجزایر قرار دارد و این رقم برای کشورهای MENA حدود ۹۴ دلار و برای قاره آسیا حدود ۲۱۱ دلار است.

اگرچه شاخص حق بیمه سرانه به‌عنوان یکی از ابزارهای اندازه‌گیری رشد صنعت بیمه در هر کشور مورد استفاده قرار می‌گیرد و حتی در سطح جهانی نیز با تبدیل به یک شاخص بین‌المللی، سطح رشد بیمه در کشورهای مختلف را در مقایسه باهم نشان می‌دهد، ولی تغییرات حق بیمه سرانه به ۲ عامل حق بیمه تولیدی و جمعیت بستگی دارد. باتوجه به اثر منفی رشد جمعیت بر این شاخص، رشد حق بیمه سرانه را همواره باید در قیاس با تغییرات جمعیتی ارزیابی کرد و باتوجه به اینکه این شاخص در سطح ملی تحت تأثیر عواملی چون تورم و کاهش ارزش پول قرار دارد و به‌نظر می‌رسد در بیان واقعیت با مشکلاتی مواجه باشد، اما رشد این شاخص را به پول ملی نمی‌توان نشانه رشد صنعت بیمه در کشور به حساب آورد.

شاخص نفوذ بیمه‌ای از جمله شاخص‌های مهم و متداول دیگری است که در ارزیابی عملکرد صنعت بیمه و مقایسه آن بین کشورهای مختلف موارد استفاده بسیار زیادی دارد. این شاخص از تقسیم کل حق بیمه تولیدی به تولید ناخالص داخلی به دست می‌آید و نشان می‌دهد که صنعت بیمه چه نقشی در تولید ناخالص داخلی کشور ایفا می‌کند و چه سهمی از آن را به‌عهده دارد؛ معمولاً از این شاخص به‌عنوان

کارآمدترین معیار برای ارزیابی عملکرد و مقایسه صنعت بیمه در بازارهای جهانی یاد می‌شود.

ضریب نفوذ بیمه در جهان در سال ۲۰۰۷ برابر ۷/۵۲ درصد است. با توجه به اینکه در سال‌های اخیر کشور ایران در این شاخص با رشد مواجه بوده است ولی در مقایسه با ۸۸ کشور جهان در سال ۲۰۰۷، کشور ایران با ضریب ۱/۳ درصد در رتبه ۷۶ جهان قرار دارد که بالاتر از کشورهای قطر، عمان، کویت، عربستان، پاکستان، مصر و الجزایر قرار دارد. در بین کشورهای خاورمیانه رتبه پنجم را پس از کشورهای لبنان، اردن و امارات دارد.

جدول ۵. مقایسه صنعت بیمه کشور با برخی از کشورها

رتبه در جهان	ضریب نفوذ (درصد)		رتبه در جهان	حق بیمه سرانه (دلار)		نام کشورها
	سال ۲۰۰۷	سال ۲۰۰۰		سال ۲۰۰۷	سال ۲۰۰۰	
—	۷/۵	۷/۸۴	—	۶۰۸	۳۸۵	جهان
۷۶	۱/۳	۷/۰	۷۶	۵۱	۸	ایران
۳۲	۴/۶	۳/۷۲	۴۴	۳۳۲	۱۵۱	مالزی
۶۹	۱/۶	۱/۱۸	۷۹	۳۰	۸/۶	اندونزی
۶۸	۱/۷	۱/۴۵	۶۲	۱۱۱	۴۳	ترکیه
۸۱	۰/۹	۰/۶	۸۴	۱۴	۹	مصر
۸۷	۰/۶	۰/۴	۶۵	۹۲	۳۷	عربستان
۶۴	۱/۹	۱/۱	۳۴	۸۱۲	۲۷۱	امارات
۸۶	۰/۶	۰/۵	۴۷	۲۵۷	۱۰۴	کویت

(Codoni, 2001; Staib, 2008)

۷. بررسی جایگاه صنعت بیمه در بازارهای مالی کشور

همان‌گونه که اشاره شد شرکت‌های بیمه به اتفاق بازار پول و سرمایه، بازار مالی کشور را تشکیل می‌دهند و بورس، بانک و بیمه رئوس مثلث مالی هر جامعه را تشکیل می‌دهند. به‌رغم نقش مهم صنعت بیمه در بازارهای مالی و رشد و توسعه اقتصادی کشور، صنعت بیمه حداقل در مقایسه با سایر نهادها کمتر مورد توجه واقع شده است. برخی از اقتصاددانان معتقدند که بالا رفتن هم‌زمان امنیت سرمایه‌گذاری و تمایل به سرمایه‌گذاری، شاخص سیستم اقتصادی را پر بار و قوی می‌سازد. واضح است که رونق سرمایه و سرمایه‌گذاری عامل اصلی تحرک و رشد اقتصادی و به تبع آن توسعه است. یکی از عناصر اصلی رشد و توسعه اقتصادی پایدار، مسئله سرمایه‌گذاری است. شرکت‌های بیمه علاوه بر تقبل ریسک و توسعه تأمین بیمه‌ای فعالیت‌های اقتصادی، سرمایه‌گذاری در بازار پول و سرمایه را نیز به‌عهده‌دارند؛ بنابراین در اغلب کشورهای جهان، شرکت‌های بیمه به‌منظور ایجاد پوشش کافی برای هزینه‌های خود، کسب درآمد و سودآوری بیشتر، رشد و توسعه فعالیت‌های بیمه‌ای و در نتیجه ارتقای کمی و کیفی خدمات خود، ارائه خدمات با قیمت نازل برای جذب هرچه بیشتر مشتریان و در جهت ایفای تعهدات خود در مقابل بیمه‌گذاران و سهام‌داران به‌عنوان یک نهاد مالی فعال در بازار سرمایه و فعالیت‌های سرمایه‌گذاری مشارکت می‌نمایند. از آنجایی که درآمدهای حاصل از سرمایه‌گذاری شرکت‌های بیمه، نقش مؤثری در ایفای تعهدات بیمه‌گری آنها دارد، بنابراین باید سرمایه‌ها را با فعالیت‌های تولیدی و اقتصادی مطمئن به‌کار بست تا بازده مطلوب آن موجب تقویت ساختارهای مالی شرکت شود.

در کشورهای پیشرفته، بازار بورس اوراق بهادار مهم‌ترین منبع تأمین مالی سرمایه‌گذاری‌های بنگاه‌های اقتصادی است. البته در کنار این بازارها، بانک‌ها نیز در تأمین منابع مالی بنگاه‌ها نقش قابل ملاحظه‌ای دارند. ولی در کشورهای در حال توسعه،

از جمله کشور ایران، بانک‌ها هنوز تأمین‌کننده اصلی نیازهای مالی بنگاه‌ها و مؤسسات اقتصادی هستند و ایران جزء کشورهای بانک‌محور است.

در ادامه برای بررسی جایگاه مؤسسات بیمه در بازار مالی کشور، ابتدا موقعیت هریک از دو بازار عمده پول و سرمایه کشور را در بازار مالی تحلیل خواهیم کرد. بدیهی است با مقایسه جایگاه هریک از دو بازار فوق در بازار مالی کشور، جایگاه مؤسسات بیمه به‌عنوان یکی از نهادهای فعال در بازار مالی کشور نیز مشخص خواهد شد.

آمار حجم سپرده‌های بخش غیردولتی نزد بانک‌های تجاری و تخصیصی نسبت به تولید ناخالص داخلی و نیز نسبت ارزش سهام معامله‌شده در بورس به تولید ناخالص داخلی از جمله شاخص‌هایی است که می‌تواند از نظر آمار و ارقام عملکرد دو بازار را در مقایسه با یکدیگر نشان دهد. همچنین ارزش سهام معامله‌شده بورس نسبت به سپرده‌های بخش غیردولتی نزد بانک‌های تجاری و تخصیصی از جمله دیگر شاخص‌هاست.

در جدول ۶ حجم سپرده‌های بخش غیردولتی در شبکه بانکی و درصد حجم سپرده‌های بخش غیردولتی به GDP مشاهده می‌شود. این نسبت به‌عنوان شاخصی از فعالیت‌های بخش بانکی و به‌عبارت‌دیگر به‌عنوان فعالیت بازار پول در نظر گرفته می‌شود. همان‌گونه که اشاره شد سپرده‌های بانکی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای پول (کوتاه‌مدت) است، که به‌خوبی نمایانگر آن است که حجم بسیار زیادی از پس‌اندازهای جامعه در قالب سپرده‌های پس‌انداز شبکه بانکی قرار دارد. درصد بالای سپرده‌های بخش غیردولتی در GDP که همواره درصد بیشتری از GDP را تشکیل می‌دهد بیانگر آن است که بازار پول نقش بسیار مهمی در بازار مالی کشور برعهده دارد.

در جدول ۶ همچنین نسبت ارزش سهام معامله‌شده به سپرده‌های بخش غیردولتی و نیز نسبت ارزش جاری بازار سهام به سپرده بخش غیردولتی نشان داده شده است. نسبت ارزش سهام معامله‌شده به سپرده‌های بخش غیردولتی به تدریج و با نوسان‌هایی

از رقم ۳/۰۷ سال ۱۳۷۸ به رقم ۷/۹ درصد در سال ۱۳۸۷ رسیده است که بیانگر آن است که بازار پول بر سرمایه چیرگی دارد. همین نتیجه را می‌توان از ارقام نسبت ارزش جاری بازار سهام به سپرده بخش غیردولتی به دست آورد. این رقم به تدریج و با نوسان‌هایی از ۲۵/۶ درصد در سال ۱۳۷۸ به رقم ۲۵/۷ درصد در سال ۱۳۸۷ رسیده است که بار دیگر نقش چشمگیر بازار پول را در تأمین مالی اقتصاد کشور نشان می‌دهد.

جدول ۶. مقایسه عملکرد بازار پول و بازار اوراق بهادار (ارقام به میلیارد دلار و نسبت‌ها به درصد است)

سال	سپرده بخش غیردولتی	نسبت سپرده بخش غیردولتی به GDP	ارزش سهام مورد معامله	نسبت ارزش سهام معامله شده به سپرده بخش غیردولتی	ارزش جاری بازار سهام	نسبت ارزش جاری بازار سهام به سپرده بخش غیردولتی
۱۳۷۸	۱۷۰۵۶۷۰	۴۰/۹	۵۲۴۴	۳/۰۷	۴۳۷۴۳	۲۵/۶
۱۳۷۹	۲۲۳۹۵۲	۳۸/۶	۹۱۷۷	۴/۱	۶۲۴۸۷	۲۷/۹
۱۳۸۰	۲۹۱۷۶۹	۴۱/۷	۷۸۳۱	۲/۷	۸۱۶۸۲	۲۸
۱۳۸۱	۳۸۲۷۴۴	۴۱/۳	۲۲۷۷۶	۵/۹	۱۱۷۷۷۳	۳۰/۷
۱۳۸۲	۴۸۷۸۶۴	۴۳/۹	۶۶۸۷۰	۱۳/۷	۳۰۹۶۹۶	۶۳/۵
۱۳۸۳	۶۴۱۰۹۵	۴۵/۶	۱۰۳۷۰۵	۱۶/۱	۳۸۷۵۴۷	۶۰/۴
۱۳۸۴	۸۷۰۳۴۴	۴۶/۹	۵۶۵۲۹	۶/۵	۳۲۵۷۲۸	۳۷/۴
۱۳۸۵	۱۲۲۲۷۴۸	۵۴/۱	۵۵۴۴۴	۴/۵	۳۹۵۰۲۸	۳۲/۳
۱۳۸۶	۱۵۶۰۳۸۴	۵۴	۷۳۰۷۴	۴/۷	۴۶۲۱۰۵	۲۹/۶
۱۳۸۷	۱۷۴۳۶۰۲	۵۸	۱۳۷۳۸۵	۷/۹	۴۴۸۹۹۵	۲۵/۷

* به علت عدم اعلام تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۸۷، تولید ناخالص داخلی برآورد شده است.

(فصلنامه نماگرهای اقتصادی، ۱۳۸۸)

در جدول ۷ ارزش سهام معامله شده و ارزش جاری بازار سهام و نسبت هریک از آنها به GDP نشان داده شده است. نسبت ارزش کل سهام معامله شده به تولید ناخالص

داخلی توانایی خرید و فروش اوراق بهادار را نشان می‌دهد. هر چقدر این نسبت بزرگ‌تر باشد، به همان نسبت معامله اوراق بهادار آسان‌تر انجام می‌گیرد. همان‌گونه که در جدول مشاهده می‌شود نسبت ارزش سهام معامله‌شده به GDP به تدریج و با نوسان‌هایی از ۱/۲۶ درصد در سال ۱۳۷۸ به بالاترین میزان خود یعنی ۷/۳۸ درصد در سال ۱۳۸۳ رسیده و در سال ۱۳۸۷ با کاهش به ۴/۵۷ درصد رسیده است. نسبت ارزش کل سهام منتشرشده در بازار بورس به تولید ناخالص داخلی در یک سال معین را نسبت ارزش جاری سهام می‌گویند. همان‌گونه که در جدول مشاهده می‌شود این نسبت در سال ۱۳۷۸، ۱۰/۵ درصد بود که به تدریج و با نوسان‌هایی به ۱۴/۹ درصد در سال ۱۳۸۷ رسید.

این دو شاخص به‌عنوان نمادی از فعالیت بازار بورس اوراق بهادار تلقی می‌شود. مقایسه این ارقام با ضریب نفوذ بیمه بیانگر آن است که از میان نهادهای بازار سرمایه، نقش بازار اوراق بهادار نسبت به مؤسسات بیمه بارز و چشمگیرتر است.

همان‌گونه که در جدول ۷ مشاهده می‌شود با بررسی نسبت حق بیمه تولیدی به ارزش سهام معامله‌شده و نیز نسبت حق بیمه تولیدی به ارزش جاری بازار سهام ملاحظه می‌شود که نسبت حق بیمه تولیدی به ارزش سهام معامله‌شده با نوسان‌هایی به ۳۰ درصد در سال ۱۳۸۷ رسیده است. همچنین نسبت حق بیمه تولیدی به ارزش جاری بازار سهام با نوسان‌هایی به ۹/۰۳ درصد در سال ۱۳۸۷ رسیده است که نشان‌دهنده نقش ناچیز صنعت بیمه در بازار اوراق بهادار است.

جدول ۷. مقایسه عملکرد بازار بیمه، بازار پول و بازار اوراق بهادار (ارقام به درصد است)

سال	ضریب نفوذ بیمه	نسبت ارزش سهام معامله شده به GDP	نسبت ارزش جاری بازار به GDP	نسبت حق بیمه تولیدی به ارزش سهام معامله شده	نسبت حق بیمه تولیدی به ارزش جاری بازار
۱۳۷۸	۰/۷۲	۱/۲۶	۱۰/۵	۵۷/۳	۶/۸۷
۱۳۷۹	۰/۷۲	۱/۵۸	۱۰/۸	۴۴/۳	۶/۵
۱۳۸۰	۰/۸۷	۱/۱۲	۱۱/۷	۷۳/۳	۷/۰۳
۱۳۸۱	۱/۰۲	۲/۴۶	۱۲/۷	۴۰/۳	۷/۷۹
۱۳۸۲	۱/۱۳	۶/۰۳	۲۷/۹	۱۹/۱	۴/۱۱
۱۳۸۳	۱/۲۵	۷/۳۸	۲۷/۶	۱۶/۷	۴/۴۷
۱۳۸۴	۱/۲۸	۳/۳۲	۱۹/۲	۳۸/۱	۶/۶۱
۱۳۸۵	۱/۳۰	۲/۸۸	۱۹/۳	۴۵/۱	۶/۷۲
۱۳۸۶	۱/۲۹	۲/۵۳	۱۶	۴۶/۳	۷/۳۲
۱۳۸۷	۱/۳۵	۴/۵۷	۱۴/۹	۳۰	۹/۰۳
متوسط	۱/۰۹	۲/۸۶	۱۷/۰۶	۴۱/۰۵	۶/۶۵

* به علت عدم اعلام تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۸۷، تولید ناخالص داخلی برآورد شده است.

(فصلنامه نماگرهای اقتصادی، ۱۳۸۸)

در ادامه برای بررسی نقش صنعت بیمه در بازارهای مالی به ویژه بازار سرمایه به بررسی و تجزیه و تحلیل ترکیب دارایی های صنعت بیمه و سهم هریک از آنها از کل دارایی ها می پردازیم.

در استخراج و دسته بندی دارایی های شرکت های بیمه سعی شده که ضمن رعایت اصول پذیرفته شده علمی جهت افزایش غنای تحلیلی و علمی تحقیق، ترکیب دارایی ها به صورتی مرتب گردد که هم اقلام سرمایه گذاری ها به خوبی روشن باشد و هم ارقام به راحتی قابل مقایسه با ارقام دارایی شرکت های بیمه مورد مطالعه در سایر کشورها باشد. دارایی های شرکت های بیمه در قالب پنج رقم کلی سرمایه گذاری های بلندمدت، اوراق قرضه دولتی، سپرده های بانکی، مطالبات بلندمدت و سایر دارایی ها دسته بندی شده است.

رقم سرمایه‌گذاری بلندمدت شامل سهام شرکت‌هاست. منظور از اوراق قرضه دولتی، اوراق بهاداری است که خزانه‌داری صادر و به شرکت‌ها و سایر بخش‌های دولتی می‌فروشد. سپرده‌های بانکی شامل سپرده‌های کوتاه‌مدت، بلندمدت و حساب جاری شرکت‌های بیمه نزد بانک‌هاست. رقم سایر دارایی‌ها نیز عموماً شامل دارایی‌های مشهود (ساختمان و تأسیسات) و دارایی‌های ثابت نامشهود (سرقفلی و حق امتیازها) می‌شود.

با بررسی ترکیب دارایی‌های صنعت بیمه و سهم هریک از اقلام آن مشاهده می‌شود که سهم سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت در ترکیب دارایی‌های صنعت بیمه کم است. در مقابل سهم موجودی نقد و سپرده‌های بانکی که در بهترین شرایط عادی سود حاصل از آنها بسیار پایین‌تر از نرخ تورم بوده است، بالاست. در خصوص اوراق قرضه دولتی نیز باید گفت که براساس قانون وضع شده و آیین‌نامه سرمایه‌گذاری بیمه مرکزی ج.ا.ا، شرکت‌های بیمه موظف‌اند ۲۵ درصد از مبالغ ذخایر فنی خود را به‌صورت اوراق قرضه نزد بانک‌ها نگاهداری کنند.

دارایی‌های ثابت بیشتر در شرکت‌های بیمه برای نوعی سرمایه‌گذاری به‌شمار می‌رود که در صورت‌های مالی به مبلغ دفتری می‌آید و برطبق نرخ دفتری مالیات به آن تعلق می‌گیرد؛ در صورتی که ارزش واقعی آن روزبه‌روز افزایش خواهد یافت. معمولاً شرکت‌های بیمه تخصیص وجوه خود را به‌گونه‌ای مدیریت می‌کنند که اگر خسارت عمده و بزرگی در رشته‌ای از بیمه وارد گردید با فروش دارایی‌های ثابت و جبران خسارت اولاً خسارت را پوشش داده‌اند و سپس هیچ مالیاتی اضافی در آخر سال مبنی بر داشتن نحوه‌های دیگر نگهداری وجوه پرداخت نکرده‌اند. از آنجاکه به‌علت وجود ذخیره استهلاك این رقم برای دارایی‌های ثابت مقدار واقعی خود را عملاً نشان نمی‌دهد در ادامه بحث این قلم را از مباحث خارج می‌کنیم. مطالبات بیمه‌ای بیانگر میزان مطالبات از

شرکت‌های دیگر است که به علت وجود بعضی ملاحظات و دریافت و پرداخت‌های آن و عدم وجود نقش تعیین‌کننده این وجوه در بازار سرمایه آنها را از بحث خارج می‌کنیم. با بررسی روند اجزای ترکیب دارایی‌های صنعت بیمه مشاهده می‌شود رقم اوراق قرضه در سال‌های اخیر با روندی نزولی مواجه بوده است که علت آن بازدهی پایین این رقم از دارایی‌هاست و موجودی نقدی و سپرده‌های بانکی نیز تقریباً روند نزولی را نشان می‌دهد؛ اما هنوز هم نسبت آن بالا است. ولی در سال‌های اخیر سهم سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت افزایش یافته است که از علت‌های آن می‌توان به قرارگرفتن سیاست آزادسازی، مقررات‌زدایی و روند خصوصی‌سازی به‌عنوان محورهای اصلی برنامه توسعه و توجه بیشتر به مقوله کارایی و بهبود مدیریت منابع در صنعت بیمه کشور اشاره کرد که با حضور شرکت‌های بیمه خصوصی در بازار بیمه و همچنین بازار سرمایه کشور نوع فعالیت‌ها از حیث رقابت، امنیت و ... دچار تغییرات و تحولاتی گردیده است. در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ کمتر از ۱۵ درصد از کل موجودی و سپرده‌های بانکی و حدود ۳۰ درصد از کل سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت مربوط به شرکت‌های غیردولتی بوده است که در صورت ادامه این روند، این ارقام در سال‌های بعد بیشتر خواهد شد.

البته حقیقت آن است که شرکت‌های بیمه همانند سایر مؤسسات تولیدی قادر به سرمایه‌گذاری‌های معمول نیستند بلکه این شرکت‌ها علاوه بر سرمایه‌گذاری، وجوه خود را باید به گونه‌ای به منابع مختلف تخصیص دهند که در صورت بروز حوادث و خسارت بتوانند موارد مورد تعهد خود را در کوتاه‌ترین زمان ممکن انجام دهند. این امر یکی از دلایلی است که به علت عدم وجود اطمینان، امنیت و جاذب‌بودن سرمایه‌گذاری در بازار سرمایه و عدم اطمینان نسبت به بازده و سرعت نقدشوندگی سرمایه، شرکت‌های بیمه ترجیح می‌دهند سهم بسیاری از وجوه خود را به صورت سپرده نزد بانک‌ها نگاهداری کنند.

این شکل از مدیریت دارایی‌های صنعت بیمه موجب شده که ضمن عدم استفاده بهینه از منابع این بازار، حتی ارزش واقعی دارایی‌های آن نیز کاهش یابد و در نتیجه هم بازار بیمه کشور با مشکلات و تنگناهای متعدد مواجه شود و هم تحرک و پویایی در بازار سرمایه کشور ایجاد نشود.

جدول ۸. بررسی درصد سهم ترکیب دارایی‌ها صنعت بیمه کشور

عنوان	سرمایه‌گذاری بلندمدت	موجودی و سپرده‌های بانکی	اوراق مشارکت	دارایی‌های ثابت و سایر دارایی‌ها
سال ۸۴	۲۳/۷	۳۹/۸	۱/۴	۳۵/۱
سال ۸۵	۲۲/۵	۴۲/۴	۱/۲	۳۳/۹
سال ۸۶	۳۲/۱	۳۹/۷	۱	۲۷/۲

(سالنامه آماری صنعت بیمه، ۱۳۸۶ و ۱۳۸۵)

پس از بررسی و توصیف ترکیب دارایی‌های شرکت‌های بیمه در کشور، در این قسمت برای ارائه تصویری واقعی‌تر به بیان ترکیب دارایی‌های برخی از کشورها می‌پردازیم. با بررسی و تجزیه و تحلیل ترکیب دارایی‌ها در شرکت‌های بیمه مشاهده گردید که کشورهای توسعه‌یافته بیش از ۷۰ درصد دارایی‌های خود را به طرق مختلف وارد بازار سرمایه نموده و سرمایه‌گذاری می‌نمایند و کمتر از ۱۰ درصد از دارایی‌های خود را به صورت وجوه نقد و سپرده‌های بانکی که از عایدی پایین برخوردارند، نگهداری می‌کنند. در کشور انگلیس، آمریکا و ژاپن به ترتیب ۶۴ درصد، ۴۹ درصد و ۳۹ درصد پس‌انداز ملی حاصل توسعه صنعت بیمه است که به سوی زمینه‌های مختلف سرمایه‌گذاری هدایت می‌شوند (مولایی، ۱۳۸۴). این نقش در صنایع پس‌انداز بیشتر از نظام بانکی و بورس اوراق بهادار است. این تجربه‌ها به خوبی جایگاه صنعت بیمه را به عنوان یک نهاد مالی در تجهیز و هدایت منابع مالی به سوی فعالیت‌های سرمایه‌گذاری مولد و بلندمدت نشان می‌دهد.

فقدان منابع و آمار و اطلاعات منسجم در زمینه ترکیب دارایی شرکت‌های بیمه که معمولاً از صورت‌های مالی و ترازنامه شرکت‌ها قابل استخراج است، باعث گردید تا در انتخاب شرکت‌ها و سال‌های مورد بررسی در این بخش ملاک تعیین‌کننده وجود آمار و اطلاعات باشد. اگرچه محدودیت منابع آماری اجازه بررسی ترکیب دارایی این شرکت‌ها در یک دوره طولانی را نداد، اما به دلیل نوسان‌های اندک بازار بیمه در کشورهای مورد بررسی و در نتیجه ثبات نسبی در ترکیب دارایی شرکت‌های بیمه، آمار و اطلاعات مربوط به دو سال ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸ می‌تواند مبین وضعیت این شرکت‌ها طی یک دوره بلندمدت‌تر باشد.

سهم سرمایه‌گذاری در بازار سرمایه و سپرده‌های بانکی در ترکیب دارایی‌های شرکت بیمه پاکستانی در سال ۱۹۸۹ به ترتیب ۷۲ درصد و ۲/۸ درصد بوده است. این ارقام برای شرکت بیمه توکیو مارین در سال ۱۹۹۰ به ترتیب ۳۹ درصد و ۱۵/۶ درصد بوده است. نسبت سرمایه‌گذاری در بازار سرمایه و سپرده‌های بانکی در ترکیب دارایی‌های شرکت بیمه اتکایی کره جنوبی در سال ۱۹۹۴ به ترتیب معادل ۶۸/۷ درصد و ۱۱ درصد بوده است. نسبت سرمایه‌گذاری به کل دارایی‌ها برای گروه بیمه اتکایی کشور سوئیس - که یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های بیمه اتکایی در جهان است - در سال‌های ۱۹۹۳ و ۱۹۹۴ به ترتیب ۸۹/۳ درصد و ۸۰/۸ درصد و موجودی نقد و سپرده بانکی در این شرکت در سال‌های مذکور به ترتیب ۲/۲ درصد و ۲/۵ درصد کل دارایی‌ها را تشکیل می‌دهد است (مولایی، ۱۳۸۴).

جدول ۹ آمار و اطلاعات لازم برای مقایسه تطبیقی میزان مشارکت صنعت بیمه کشور در بازار سرمایه با سایر کشورها را طی دوره ۱۹۹۷-۱۹۹۸ نشان می‌دهد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود نسبت سرمایه‌گذاری‌ها در ترکیب دارایی‌های شرکت‌های بیمه در کشورهای توسعه‌یافته و حتی در حال توسعه مورد بررسی رقم بالایی است. در کشورهای توسعه‌یافته رقم اصلی و عمده دارایی‌ها مربوط به سرمایه‌گذاری‌هاست و در مقابل رقم موجودی نقد و

سپرده‌های بانکی در ترکیب دارایی این شرکت‌ها بسیار پایین است. این ارقام نشان‌دهنده کارایی بالا، مدیریت مناسب، استفاده بهینه از منابع و ذخایر شرکت‌های بیمه است. این شکل از مدیریت منابع و این حجم از مشارکت در بازار سرمایه موجب شده تا شرکت‌های بیمه و بازار بیمه در این کشورها ضمن کسب درآمد بسیار بالا و در نتیجه سوددهی قابل ملاحظه از طریق گسترش کمی و کیفی خدمات خود و ارائه آنها با قیمت‌های مناسب به رشد و توسعه صنعت بیمه و در نتیجه رشد و توسعه اقتصادی کمک فراوانی نمایند. در مقابل سهم سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت در ترکیب دارایی‌های صنعت بیمه ایران ناچیز است و در عوض رقم سپرده‌های بانکی در ایران بالاست. این ترکیب در صنعت بیمه به خوبی مدیریت غیربهره‌دهنده در این صنعت را نشان می‌دهد ولی در سال‌های اخیر به علت سیاست‌های مقررات‌زدایی و خصوصی‌سازی و ایجاد انگیزه رقابت در بین شرکت‌های بیمه در ایران مشاهده می‌شود که نسبت سهم سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت در ترکیب دارایی‌ها رو به افزایش است.

جدول ۹. سهم هریک از اقلام دارایی‌ها در ترکیب دارایی شرکت‌های بیمه برخی کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته و ایران طی دوره ۱۹۹۷-۱۹۹۸

نام شرکت	سرمایه‌گذاری		موجودی نقد و سپرده‌های بانکی		دارایی‌های ثابت و سایر دارایی‌ها	
	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۷	۱۹۹۸
شرکت سوئیس‌ری	۸۶	۸۳	۱	۲	۱۴	۱۵
شرکت Egyptian Re The	۸۵	۸۶	۱	۱	۱۴	۱۳
شرکت Malaysian National Re مالزی	۷۹/۲	۷۹	۰/۱	۰/۱	۲۰/۳	۲۰/۹
شرکت ARIG امارات	۵۸	۶۱	۲	۱	۴۰	۳۸
شرکت TPUST بحرین	۲۳	۲۴	۳۴	۳۱	۴۳	۴۵
شرکت K.S.C.C کویت	۳۰	۲۶	۶۸	۷۲	۲	۲
شرکت العین امارات	۲۰	۲۴	۶۵	۵۸	۱۴	۱۸
شرکت‌های ایران	۵/۹	۶/۳	۶۳/۹	۶۲/۱	۳۰/۲	۳۱/۶

(احمدوند، ۱۳۷۹)

رتال جامع علوم انسانی

۸. خلاصه و نتیجه گیری

شرکت‌های بیمه به‌عنوان نهادهای مالی، نقش بسیار مهمی در بازار مالی و توسعه اقتصادی کشور دارند. با بررسی شاخص‌های مختلف صنعت بیمه در کشور مشاهده گردید که در سال‌های گذشته به‌علت دولتی‌بودن و عدم‌اجازه فعالیت به بخش خصوصی در بازار، بیمه کشور با توسعه‌نیافتگی مواجه بوده است ولی در سال‌های اخیر با توجه به اجرای سیاست‌های آزادسازی، مقررات‌زدایی و خصوصی‌سازی صنعت بیمه در کشور روند صعودی خود را آغاز نموده است. ولی همچنان در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته و برخی از کشورهای در حال توسعه، وضعیت مناسبی ندارد و کاستی‌های زیر در آن دیده می‌شود:

- میزان حق بیمه‌های دریافتی کم است؛
- حق بیمه سرانه دریافتی ناچیز است؛
- ترکیب بیمه‌های دریافتی برحسب زندگی و غیرزندگی نشان می‌دهد که بیش از ۹۰ درصد از بیمه‌ها را بیمه‌های غیرزندگی تشکیل می‌دهند. در حالی که در کشورهای توسعه‌یافته سهم بیمه‌های زندگی بیش از ۵۰ درصد است؛
- تعداد شرکت‌های بیمه محدود است، در حالی که در کشورهای توسعه‌یافته به‌طور میانگین بیشتر از ۵۰۰ و در کشورهای در حال توسعه مالزی، اندونزی، ترکیه و امارات به ترتیب ۱۰۹، ۱۴۶، ۵۵ و ۴۸ است که در زمینه بیمه‌های زندگی، غیرزندگی و مختلط فعالیت می‌کنند. پایین بودن تعداد شرکت‌های بیمه و حضور نداشتن شرکت‌های خارجی که رقیبان جدی شرکت‌های داخلی هستند، امر رقابت و کیفیت و رضایت مشتری را در صنعت بیمه بسیار آسیب‌پذیر کرده است؛
- شرکت‌های بیمه در کشور کمتر از ۲۰ درصد از دارایی‌های خود را در سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت وارد می‌کنند و این در حالی است که در کشورهای توسعه‌یافته این رقم بیش از ۷۰ درصد است.

بنابراین در راستای افزایش نقش و مشارکت صنعت بیمه در اقتصاد کشور و بازار سرمایه برمبنای نتایج تحقیق توصیه می‌گردد:

- حجم دخالت دولت در بازار بیمه از طریق پیگیری و اجرای سیاست‌های آزادسازی، مقررات‌زدایی و واگذاری شرکت‌های بیمه و ایجاد فضای رقابتی از طریق ایجاد امکان مشارکت و فعالیت بخش خصوصی کاهش یابد؛
- تغییر و اصلاح ترکیب حق‌بیمه‌های دریافتی از طریق رشد و توسعه بیمه‌های زندگی که خود می‌تواند علاوه بر افزایش اعتماد و اطمینان و امید زندگی در جامعه به منبع بسیار مهمی برای پس‌انداز و سرمایه‌گذاری تبدیل شود؛
- به‌منظور افزایش حضور شرکت‌های بیمه در بازار مالی، افزایش میزان فعالیت شرکت‌های بیمه و گسترش بیمه در سطح جامعه ضروری است؛ لذا شرکت‌های بیمه باید با سرمایه‌گذاری بیشتر در فعالیتهای بازاریابی، خدمات بیمه‌ای متناسب با شرایط و نیاز جامعه در اقصی نقاط کشور ایجاد نمایند.
- از آنجاکه افزایش فروش بیمه به تنهایی سبب افزایش حضور در بازار مالی نمی‌شود و عنصر بسیار مهم ارزیابی ریسک در کسب حق‌بیمه عایدشده از مجموع حق‌بیمه‌های تولیدی بدون وقوع خسارت و یا با حداقل خسارت بسیار مهم است، لذا برای حضور قوی‌تر شرکت‌های بیمه در بازارهای مالی لازم است که این شرکت‌ها توانایی خود را در ارزیابی و آنالیز ریسک افزایش دهند تا با کاهش میزان خسارت‌های پرداختی و با دریافت حق‌بیمه متناسب با ریسک امکان کسب نتایج درآمدی لازم را برای حضور در بازار مالی داشته باشند.
- قوانین و مقررات و دستورالعمل‌های مرتبط بر چگونگی ترکیب دارایی شرکت‌های بیمه در راستای کاهش حجم سپرده‌های بانکی و افزایش سهم سرمایه‌گذاری‌ها تغییر یابد و اصلاح شود.

- استفاده از دانش مدیریت سرمایه‌گذاری و تکنیک‌های آماری و علمی در سرمایه‌گذاری و به‌کارگیری نیروی انسانی متخصص در این زمینه؛ به‌عنوان مثال یکی از این تکنیک‌ها تنوع بخشیدن به سرمایه‌گذاری‌هاست؛ زیرا امروزه تنوع بخشیدن به سرمایه‌گذاری‌ها موجب کاهش ریسک می‌گردد و سرمایه‌گذاران را از زیان ناشی از سرمایه‌گذاری‌ها مصون می‌دارد؛ لذا اهمیت این امر به مثابه حاشیه ایمنی است.

منابع

۱. احمدوند، محمد رحیم ۱۳۷۹، بررسی نقش صنعت بیمه در بازار سرمایه و تأمین وجوه مورد نیاز بخش‌های تولیدی، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی، بانک مرکزی، ص ۹۰.
۲. پیکارجو، کامبیز ۱۳۸۰، 'بررسی حجم بازده سرمایه‌گذاری شرکت‌های بیمه دولتی و پیامدهای خصوصی‌سازی در بازار سرمایه'، فصلنامه صنعت بیمه، ش ۶۴، صص ۳۱-۶۰.
۳. ثبات، غلام‌علی ۱۳۷۴، نقش صنعت بیمه در بازار سرمایه ارزیابی مدیریت منابع و درایی‌ها در دوره ۷۲-۶۱، رساله کارشناسی‌ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده اقتصاد.
۴. جعفری صمیمی، احمد ۱۳۸۵، 'آیا توسعه بیمه رشد اقتصادی را حمایت می‌کند؟'، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، سال ششم، ش ۲، صص ۱۷-۲۹.
۵. جهانخانی، علی ۱۳۷۶، 'نقش مؤسسات بیمه در بازار سرمایه ایران'، فصلنامه صنعت بیمه، ش ۴۵، صص ۳۲-۴۲.
۶. حسین‌نیا، بتول ۱۳۷۵، بررسی اهمیت سرمایه‌گذاری شرکت‌های بیمه بازرگانی و وضعیت سرمایه‌گذاری بیمه در ایران از دیدگاه مالی، رساله کارشناسی‌ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده مدیریت.
۷. ختایی، محمود ۱۳۷۸، گسترش بازارهای مالی و رشد اقتصادی، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی، بانک مرکزی.
۸. ژان فرانسوا، اوتردیل سال ۱۳۸۱، مبانی نظری و عملی بیمه، ترجمه همتی، عبدالناصر، بیمه مرکزی ج.ا.ا، چ ۱.

۹. سالنامه آماری صنعت بیمه کشور ۱۳۸۷-۱۳۸۵، انتشارات معاونت طرح و توسعه بیمه مرکزی.
۱۰. عزیزی، فیروزه، ۱۳۸۰، 'جایگاه مؤسسات بیمه در بازار مالی کشور'، فصلنامه صنعت بیمه، ش ۶۴، صص ۳۰-۱۱۱.
۱۱. فرانکو، مودیلیانی ۱۳۷۶، 'مبانی بازارها و نهادهای مالی'، ترجمه عبده تبریزی، حسین، انتشارات آگاه، ج ۱.
۱۲. فصلنامه نماگریهای اقتصادی ۱۳۸۸، انتشارات بانک مرکزی، ش ۵۵.
۱۳. کدخدایی، حسین ۱۳۸۰، 'بیمه، بانک و بورس: مثلث توسعه مالی'، فصلنامه صنعت بیمه، ش ۶۴، صص ۴۴-۱۳۱.
۱۴. کریمی، آیت ۱۳۸۳، کلیات بیمه، پژوهشکده بیمه، ج ۸.
۱۵. گزارش اقتصادی سال ۱۳۸۳ و نظارت بر عملکرد ۵ سال برنامه سوم ۱۳۸۴، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، ج ۱.
۱۶. مولایی، عبدالله ۱۳۸۴، 'بررسی تأثیر حق بیمه دریافتی شرکت های بیمه بر میزان سرمایه گذاری آنها در بازار مالی'، فصلنامه صنعت بیمه، ش ۷۷، صص ۷۰-۱۵۱.
17. Athearn, JL, Prichett, ST & Schmit, JT 1989, *Risk and insurance*, Minnesota, West Publishing Co, 6th ed.
18. Boon, T 2004, *Do commercial banks stock market and insurance market promote economic growth: an analysis of the singapore economy*, School of Humanities and Social Studies Nanyang Technological University.
19. Codoni, C 2001, 'World insurance in 2000, another boom year for life insurance; return to normal growth for non-life insurance', *Sigma*, no.1, Swiss Re Publication.
20. Kugler, M & Ofoghi, R 2005, *Does insurance promote economic growth? evidence from the UK*, Working Paper, Division of Economics, University of Southampton, UK.
21. Levine, R 2004, *Finance and growth: theory and evidence*, NBER Working Paper.

22. Levine, R & Zervos, S 1998, *Stock markets, Banks and Economic Growth* American Economic Review.
23. Merton, RC 1992, 'Financial innovation and economic performance', *Journal of Applied Corporate Finance*, vol.4, pp.12-22.
24. Merton, RC & Bodie, Z 2004, *The design of financial systems: towards a synthesis of function and structure*, National Bureau of Economic Research Working Paper.
25. Outreville, JF 1997, 'Life insurance markets in developing countries', *Journal of Risk and Insurance*, vol.63, pp. 263-78.
26. Skipper, JR 1998, *Foreign insurance in emerging markets: issues and concerns*, Washington, D.C: International Insurance Foundation.
28. Ward, D & Zurbruegg, R 2000, 'Does insurance promote economic growth? evidence from oecd countries', *Journal of Risk and Insurance*.
29. Web, PI, Grace, FM & Skipper, DH 2002, *The effect of banking and insurance on the growth of capital and output*, Center for Risk Management and Insurance Working Paper 1-20, Georgia State University.
30. Williamas, CA & Heins, RM 1989, *Risk management and insurance*, McGraw-Hill Book Co, NewYork, 6th ed.



پښتونستان د علومو او انساني مطالعاتو فریښتی
پرتال جامع علوم انسانی